

اقتصاد در خانواده در سیره انبیای الهی علیهم‌السلام

فریده آدم^۱، وجیهه شیرکوند مقدم^۲

چکیده

انبیای الهی الگوهای بی‌بدیل انسانیت هستند که راه و روش زیست مؤمنانه را فراروی بشریت قرار دادند تا در روز محشر، هیچ انسانی ادعای گزافی بر خداوند متعال مبنی بر نداشتن راهنما در مسیر بندگی نداشته باشد. همان‌گونه که عملکرد انبیا در امور عبادی باید مبنا و الگوی عمل مؤمنان باشد عملکرد آنها در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی نیز مبنا و میزان خواهد بود. مقاله حاضر به روش تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تبیین سیره پنج تن از انبیای الهی در زمینه مسائل اقتصادی و عملکرد آنها در تعاملات اقتصادی جامعه می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با تأسی به زندگی انبیای عظام علیهم‌السلام تلاش و سخت‌کوشی در تأمین معاش و مایحتاج زندگی خانوادگی باید سرلوحه عمل قرار گیرد. انسان باید قناعت و صرفه‌جویی در مصرف را پیشه خود قرار دهد تا از این راه بتواند به ارتقای توان اقتصادی خانواده و در نگاه کلان، پیشرفت اقتصادی در جامعه اسلامی دست یابد.

واژگان کلیدی: اقتصاد، جامعه، خانواده، انبیاء، روش‌های اقتصادی.

۱. مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازی‌های او در رابطه با اجتماع تعریف می‌شود. ادیان الهی نیز به جامعه با دید تکریم می‌نگرند و در ساخت آن سعی فراوان دارند. در قرآن به زوایای مختلفی از حیات اجتماعی انسان پرداخته شده است مانند شیوه رابطه میان انسان‌ها از

۱. دانش‌پژوه کارشناسی مطالعات زنان، از کشور تایلند، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Fareedada2546@gmail.com

۲. دانشیار گروه علمی تربیتی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: 1366vajihe@gmail.com

نظر اخلاقی تا اقتصاد و سیاست و حکومت و ارتباط با طبیعت. اقتصاد، یکی از متغیرهای زندگی اجتماعی، همیشه محور تحولات بوده است. این عامل در جوامع مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... ایفا می‌کند. طبع انسان، اجتماعی است. انسان براساس نیازهای خود به زیست اجتماعی نیازمند است، پس شیوه تعاملاتش با دیگران در موفقیت و بهروزی او جایگاه ویژه‌ای دارد. خانواده برای رشد و تعالی خود علاوه بر رعایت اخلاق و حقوق، باید به مسائل اقتصادی نیز توجه داشته باشد. شیوه به‌دست آوردن درآمد، برآورد هزینه‌ها، مدیریت مصرف و... همه از مواردی است که تأثیر بسزایی در توانمندسازی خانواده در وهله اول و توانمندسازی جامعه در مرحله بعد خواهد داشت. تعاملات اقتصادی در آیین‌های مختلف و مکاتب گوناگون ویژگی‌های خاص خود را دارد. در دین اسلام و قرآن نیز دستوراتی برای این کار آمده است که از جمله آنها می‌توان به عملکرد و روش برخورد انبیا در موقعیت‌های مختلف اشاره کرد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. اقتصاد

اقتصاد در لغت به معنای میانه نگه داشتن و به اندازه خرج کردن است. (معین، ۱۳۸۵، ۲۹۱/۱) اقتصاد از کلمه قصد به معنای استقامه الطریق یعنی، پایداری در راه است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۷۲) اقتصاد در اصطلاح یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حکومت می‌کند و وسایلی که باید در عمل باتوجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات ترقی جامعه و آسایش افراد شود، بحث می‌کند (معین، ۱۳۸۵، ۲۹۱/۱).

۲-۲. جامعه

جامعه در لغت، اسم فاعل مؤنث از مصدر جمع به معنای گردآورنده، جمع کننده و فراهم کننده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۴۸۹/۵) در اصطلاح به مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات، آداب و سنن و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند جامعه می‌گویند.

۲-۳. خانواده

خانواده به معنای خاندان یا اهل خانه و اهل البیت تعریف شده است. خانواده به معنای گروهی از افراد با پیوند سببی یا نسبی است که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه) خانواده، یک واحد اجتماعی متشکل از اعضای فامیلی است که با پیوند خویشاوندی و زندگی مشترک در یک خانه باهم مرتبط هستند.

۳. اهداف نظام اقتصادی اسلام

براساس جهان بینی الهی، دنیا مزرعه آخرت است و تمام رفتارهای انسان در این دنیا چه در مقابل خود و چه در مواجهه با دیگران تأثیر مستقیمی در زندگی و حیات او پس از مرگ دارد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون؛ و جن و انس را نیافریدیم جز برای آنکه مرا بپرستند» (ذاریات: ۵۶). فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، برپایی و ارتقای معنویت در جامعه و عبادت بهتر پروردگار است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۹)، اما واقعیت این است که انسان‌ها و جامعه، رابطه دوسویه دارند. این جامعه هنگامی متکامل و مترقی خواهد شد که اجزای سازنده آن که انسان‌ها هستند تکامل یابند و این کار بدون تغییر و تکامل انسان‌ها رخ نخواهد داد. انسان‌ها به دنبال ساختن جامعه‌ای براساس جامعه آرمانی هستند و خداوند متعال هم در قرآن وعده آن را داده است: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً؛ خدای متعال به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده کرده است که در زمین جانشینشان کند، چنان که کسانی را که پیش از آنان بودند،

جانشین کرد و دینشان را که برایشان پسندیده است به سودشان استوار و پابرجا گرداند و از پی ترسشان امنیت جایگزین کرد تا مرا بپرستند و چیزی با من شریک نسازند» (نور: ۵۵)؛ زیرا هدف نهایی در آن، استکمال حقیقی انسان هاست. با خداشناسی، خداپرستی و اطاعت از اوامر و نواهی الهی، کسب رضای الهی و تقرب به درگاه او حاصل می‌شود.

آنچه در این زمینه از سیره انبیا به دست می‌آید این است که هر فرد بیاموزد در مواجهه با مشکلاتی که در زندگی برایش پیش می‌آید در برابر ناملازمات چگونه عمل کند، در مسیر زندگی خود، دید باز داشته باشد و بداند که اختیارش در دست خودش است و کسی او را به کاری و نمی‌دارد، از دیگران و پدیده‌ها عبرت گیرد و آن را برای سعادت خود به کار ببندد و در انجام این کارها به اسباب عادی متوسل می‌شود و نه اینکه از غیر طریقتش بخواهد کارها را انجام دهد و خود پیش و بیش از دیگران به سخنانی که می‌گوید، عامل باشد.

۳-۱. اعتلای معنوی انسان‌ها

از آنجاکه در فرهنگ و بینش اسلامی، کمال و اعتلای معنوی انسان‌ها اصل اساسی است نه تنها ثروت و دارایی، بلکه جان نیز وسیله و ابزاری است برای راهیابی انسان به سوی قله کمال که همان سیر الی الله است: «ان الله اشتری من المؤمنین أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة؛ یقینا خدا از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان خریده باشد» (توبه: ۱۱). در این مسیر است که مال، وسیله تقرب الی الله و سلام و درود بر رسول الله می‌گردد: «ومن الأعراب من یؤمن بالله و الیوم الآخر و یتخذ ما ینفق قریبات عندالله و صلوات الرسول إلا إنها قریة لهم سیدخلهم الله فی رحمته إن الله غفور رحیم؛ و گروهی از بادیه‌نشینان [جزیره‌العرب] کسانی هستند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند مایه قرب به خدا و دعا‌های پیامبر می‌دانند. آگاه باشید انفاقشان وسیله تقرب برای آنهاست. به‌زودی خدا آنها را در رحمتش درآورد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است» (توبه: ۹۹).

در این میدان است که مال وسیله تزکیه و پاکی روح و جان انسان می‌شود و انسان را به مرتبه‌ای از کمال می‌رساند که پیامبر خدا ﷺ مأمور فرستادن درود و صلوات بر او می‌شود و بدین وسیله انسان به آرامش و سکونی که نیاز مبرم حیات اوست می‌رسد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكهم بها و صل عليهم إن صلاتك سكن لهم والله سميع عليم؛ از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می‌کنی و آنان را رشد و تکامل می‌دهی و [به‌هنگام دریافت زکات] بر آنان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنهاست و خدا شنوا و داناست» (توبه: ۱۰۳).

۳-۲. عدالت اقتصادی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سه چیز است که همه مردان به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و رفاه». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۰) عدالت اقتصادی در قالب یک هدف، حالتی را وصف می‌کند که در آن همه مردم به حق خود از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه دست یابند. امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید: «خداوند هیچ نوع از انواع مال را به حال خود رها نکرده، بلکه همه را تقسیم کرده و به هر صاحب حقی چه اشخاص، چه عموم مردم، فقیران، مسکینان و چه بقیه طبقات مردم حقشان را داده و معین کرده است. آن‌گاه فرمود: اگر در میان مردم عدالت اجرا شود همه بی‌نیاز خواهند شد و فقیر و نیازمندی نخواهد ماند. سپس فرمود: طعم عدل، شیرین‌تر از عسل است و تنها کسی می‌تواند عدالت را اجرا کند که عدل و ابعاد آن و طریق اجرای آن در میان مردم را خوب بداند و یا خوب عمل کند» (حکیمی، ۱۳۷۸، ۶۲/۳). بنابراین، عدالت اقتصادی در جامعه زمانی تحقق خواهد یافت که: همه افراد از سطح کفاف در زندگی برخوردار باشند، اختلاف‌های درآمدی از تبعیض در امتیازهای قانونی و دسترسی به فرصت‌ها ناشی نشود، ثروتمندان حق نیازمندان و ولی‌امر را بپردازند (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹).

۳-۳. امنیت

از دیگر شاخصه‌های اقتصاد اسلامی، تحقق امنیت در جامعه است. امنیت در لغت به معنای بی‌خوفی، امن و اطمینان داشتن است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه) در کلام معصومان، امنیت به معنای لغوی و عرفی آن به کار رفته و بسیار ستایش شده و ناامنی تقبیح شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بدترین وطن‌ها، وطنی است که ساکنانش در امنیت نیستند. بدترین شهرها شهری است که در آن امنیت و سرسبزی وجود ندارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۴۷/۱). امنیت ابعاد گوناگونی دارد. وقتی امنیت فرد مطرح می‌شود امنیت جان، مال و آبروی او مورد توجه قرار می‌گیرد. در روایات نیز جان، مال و آبروی مؤمن، محترم و تعرض به آنها حرام شمرده شده است تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرمت مال مؤمن را مانند حرمت خون او می‌داند (کلینی، ۱۳۷۵، ۳۳۹/۵).

از مصادیق امنیت اقتصادی، توجه پیامبر صلی الله علیه و آله به شخص مقروض است. برای مثال پیامبر صلی الله علیه و آله معاذ را محجور دانست و پس از آن در مالش تصرف کرد و دارایی‌اش را برای ادای دین فروخت. به این ترتیب، امنیت مال سرمایه‌گذار و مال باخته را تضمین کرد، اما در جایی که شخص مدیون، قدرت ادای دین خود را نداشت رسول الله صلی الله علیه و آله بدهی او را می‌پرداخت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر بدهکاری که نزد حاکم مسلمین رود و درماندگی خود را برای او آشکار سازد از پرداخت دین معاف بوده و حاکم اسلامی باید بدهی او را بپردازد». به این ترتیب، امنیت مالی و آبروی فقرا و مستمندان در جامعه اسلامی حفظ می‌شد (کلینی، ۱۳۷۵، ۷۳۱/۳).

۴. ضرورت وجود الگوی اقتصادی برای خانواده

انسان برای گام برداشتن در مسیر مشخصی از زندگی، الگو و پیشوایی لازم دارد که سعی می‌کند خود را به او نزدیک کند و پرتوی از صفات او را در درون جان خود ببیند. در درون دل انسان جایی برای اسوه‌ها و قهرمان‌هاست. به همین دلیل، تمام ملت‌های جهان در تاریخ خود به قهرمانان واقعی و گاه پنداری متوسل می‌شوند و بخشی از فرهنگ و تاریخ خود را براساس وجود آنها بنا می‌کنند، در مجالس خود از آنها سخن می‌گویند، آنها را می‌ستایند و سعی می‌کنند خود را از نظر

صفات و روحیات به آنها نزدیک کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۳۶۵/۱) خانواده از این قاعده مستثنی نیست. برای بهبود وضعیت اقتصادی در جامعه باید آموزش را از خانواده شروع کرد. اعضای خانواده باید بدانند که تلاش و پشتکار برای کسب درآمد، نوعی ارزش مثبت به حساب می‌آید. بنابراین، الگوبرداری از انسان کامل برای هدایت عملکرد اعضای خانواده ضروری به نظر می‌رسد. نام بردن از انبیا برای الگوگیری انسان‌ها از آنهاست؛ یعنی انسان مؤمن باید از کسی اطاعت کند که شایسته اطاعت است و آن کسی است که خداوند او را شایسته اطاعت معرفی می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: «و ما ینطق عن الهوی، ان هو الا وحی یوحی؛ و از سر هوس سخن نمی‌گوید و این سخن به جز وحی که وحی می‌شود، چیزی نیست» (نجم: ۳-۴). این پیامبران الهی که انسان‌های برگزیده الهی با ویژگی‌های خاص و متعالی هستند همگی بر صراط مستقیم هدایت الهی و متصل به منبع هستند. با توجه به این ضرورت، سیره اقتصادی انبیای الهی بررسی می‌شود تا از این رهگذر، مسیر زیست مؤمنانه هموارتر شود.

۴-۱. سیره اقتصادی حضرت آدم علیه السلام

بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین، سیره اقتصادی حضرت آدم علیه السلام بر تأمین معاش از راه کار و تلاش و بهره‌گیری از نعمت‌های الهی استوار بود. فعالیت‌های تولیدی، عنصر اساسی در طلب روزی است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید عوامل تولید و منابع معیشت انسانی، فراوان و پایان‌ناپذیر است و خداوند از همان ابتدای خلقت، رزق همه افراد بشر، بلکه روزی تمام جنبندگان را تا پایان دنیا تضمین کرده است: «و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها؛ و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزی‌اش برعهده خداست» (هود: ۶). به استناد قرآن کریم، منابع طبیعی با نیازهای انسانی هماهنگ هستند. در واقع، زمین و منابع موجود در آن، دریاها و ذخایر آنها برای بشر و همه تسلیم و در تسخیر او هستند: «الله الذی سخر لکم البحر لتجرى الفلك فیہ بأمره و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون؛ خداست آنکه برای شما دریا را مسخر گردانید تا کشتی به امر او (آسان) در آب جاری شود و از آن (به تجارت و سفر) از فضل خدا (روزی) طلبید و باشد که شکر

نعمتش به جای آرید و آنچه در آسمان‌ها و زمین است تمام را مسخر شما گردانید و اینها همه از سوی اوست. در این کار نیز برای مردم بافکرت، آیاتی از قدرت الهی پدیدار است» (جائیه: ۱۲-۱۳).
 باتوجه به این آیات روشن می‌شود که خداوند هرگونه زمینه کار و فعالیت را برای نسل بشر براساس نیازهایش از ابتدا فراهم کرده است. بر همین اساس، حضرت آدم علیه السلام و فرزندانش را سفارش کرده که به جست‌وجوی روزی بروند، به کار و تلاش برای کسب حلال و طلب از فضل بی‌پایان خداوند بپردازند و از گام‌های شیطان که دشمن آشکار اوست پیروی نکنند. «یا ایها الناس کلوا مما فی الأرض حلالا طیبا ولا تتبعوا خطوات الشیطان إنه لکم عدو مبین؛ ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، محققا شیطان از برای شما دشمنی آشکار است» (بقره: ۱۶۸). حضرت آدم علیه السلام از زمین برای امرار معاش و کشاورزی بهره می‌برد و با کار و تلاش، معیشت خود و فرزندانش را تأمین می‌کرد. خداوند متعال، زمین و نعمت‌های آن را ابزار و وسیله‌ای برای تأمین معیشت به حضرت آدم علیه السلام عطا کرد و او را به بهره‌برداری درست از این نعمت‌ها فراخواند. حضرت آدم علیه السلام به کار و تلاش تشویق شد و با کار کردن در زمین و بهره‌گیری از منابع طبیعی، امرار معاش کرد.

۴-۲. سیره اقتصادی حضرت نوح علیه السلام

در میان تعلیمات دینی، آسمانی و سیره عملی حضرت نوح علیه السلام که مصداق بارز صبر و شکیبایی است نکاتی ظریف و قابل تأمل وجود دارد. حضرت نوح علیه السلام به کشاورزی و باغداری مشغول بود و از این راه معیشت خود و پیروانش را تأمین می‌کرد. در قرآن اشاره‌ای به این موضوع در داستان فرزند نافرمانش شده است: «واتل علیهم نبأ نوح إذ قال لقومه یا قوم إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بآیات الله فعلی الله توکلت فأجمعوا أمرکم وشرکاءکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمه ثم اقضوا إلی ولا تنظرون» (یونس: ۷۱). اگرچه این آیه به‌طور مستقیم به اقتصاد اشاره نمی‌کند، نشان‌دهنده زندگی اجتماعی و اقتصادی حضرت نوح علیه السلام در میان قومش است. حضرت نوح علیه السلام به‌دستور خداوند کشتی بزرگی ساخت که علاوه بر نجات مؤمنان و حیوانات نشان‌دهنده مهارت‌های فنی و

مدیریت منابع اقتصادی بود. «و یصنع الفلک و کلما مر علیه ملاً من قومه سخروا منه قال إن تسخروا منا فإنا نسخر منکم كما تسخرون» (هود: ۳۸). این آیه نشان می‌دهد که ساخت کشتی، پروژه بزرگ اقتصادی و فنی بود که با ریشخند قوم مواجه شد، اما حضرت نوح علیه السلام با توکل بر خدا آن را به پایان رساند. حضرت نوح علیه السلام در کشتی علاوه بر انسان‌ها، حیوانات و منابع طبیعی را نیز حفظ کرد که نشان‌دهنده مدیریت صحیح منابع اقتصادی است. «قیل یا نوح اهبط بسلام منا وبرکات علیک وعلی أمم ممن معک» (هود: ۴۸)؛ این آیه نشان می‌دهد که پس از طوفان، برکات الهی شامل حال نوح و همراهانش شد که می‌تواند اشاره به بازسازی اقتصادی و کشاورزی پس از طوفان باشد.

حضرت نوح علیه السلام با وجود توانایی‌های اقتصادی، به مال دنیا وابسته نبود و همواره قوم خود را به توحید و دوری از طغیان اقتصادی دعوت می‌کرد. «و ما أسألكم علیه من أجر إن أجری إلا علی رب العالمین» (الشعراء: ۱۰۹)؛ این آیه نشان می‌دهد که حضرت نوح علیه السلام در ازای رسالتش هیچ مزدی از مردم طلب نمی‌کرد و تنها اجر خود را از خدا می‌خواست. «و لو أن أهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والأرض؛ و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم» (اعراف: ۹۶). بهره‌وری نظری به رابطه بین محصول و عوامل تولید تعریف می‌شود. منظور از محصول، تمام کالاها و خدماتی است که نیازمندی‌ها را تأمین کند. بهره‌وری عبارت از: بهره‌وری سرمایه، نیروی کار، مواد اولیه و سایر عوامل تولید است (رجایی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰). مهمترین مسئله در بهره‌وری، شناسایی عوامل و موانع افزایش آن است. بهره‌وری را می‌توان به مادی و معنوی تقسیم کرد:

۴-۲-۱. عوامل معنوی

آیات قرآن بیشتر به نسبت محصول به تمام عوامل توجه دارد. در سیره عملی انبیا و در کلام آنها رابطه مثبتی بین ایمان، اعتقاد به خدا، معاد، شکر، انفاق، صدقه، استغفار، دعا و... با برکات آسمان و زمین برقرار است. آنها ایمان و تقوا را موجب آبادی دنیا و آخرت می‌دانستند؛ زیرا نصرت الهی در امور معنوی و مادی افزایش بازده را به دنبال دارد و براساس این اندیشه، کفر، ظلم، کفران نعمت، طغیان، خوردن مال دیگران، عشق به دنیا و... مایه نابودی و ویرانی است و در جایگاه

معنوی از موانع بهره‌وری به‌شمار می‌روند (رجایی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹): «ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت أیدی الناس؛ فساد در خشکی و دریا بر اثر اعمال مردم ظاهر شد» (روم: ۴۱)؛ خداوند متعال در آیه دیگر می‌فرماید: «فقلت استغفروا ربکم إنه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم بأموال وبنین ویجعل لکم جنات ویجعل لکم أنهارا؛ باز گفتم: به درگاه خدای خود توبه کنید و آموزش طلبید که او بسیار خدای آمرزنده‌ای است تا باران آسمان بر شما فراوان نازل کند و شما را به مال بسیار و پسران متعدد مدد فرماید و باغ‌های خرم و نه‌رهای جاری به شما عطا کند» (نوح: ۱۰-۱۲). این آیه، پنج نعمت مادی بخشودگی گناهان، پاک‌ی از آلودگی‌ها، ریزش باران مفید، به‌موقع و پربرکت، فزونی اموال، فزونی فرزندان، باغ‌های پربرکت و نه‌رهای آب جاری را به استغفارکنندگان وعده می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰/۱۰۱).

۴-۲-۲. عوامل مادی

حضرت نوح علیه السلام بعد از ناامیدی از هدایت کافران، مأمور اجرای مرحله دوم تبلیغ خود شد: «واصنع الفلک بأعیننا ووحینا ولا تخاطبنی فی الذین ظلموا إنهم مغرقون، ویصنع الفلک وکلما مر علیه ملاً من قومه سخروا منه قال إن تسخروا منا فإننا نسخر منکم کما تسخرون فسوف تعلمون من یأتیه عذاب یخزیه ویحل علیه عذاب مقیم؛ و به ساختن کشتی در حضور و مشاهده ما و به دستور ما مشغول شو و درباره ستمکاران که البته باید غرق شوند دیگر با من سخن مگوی و نوح به ساختن کشتی پرداخت و هرگاه گروهی از قومش بر او می‌گذشتند وی را مسخره و استهزا می‌کردند و نوح در جواب آنها می‌گفت: اگر (امروز) شما ما را مسخره می‌کنید ما هم (روزی) شما را مسخره کنیم همان‌گونه که شما مسخره می‌کنید و به زودی معلوم شما شود که کدام یک به عذاب ذلت و خواری گرفتار و عذاب دائم خدا را مستوجب خواهد شد» (هود: ۳۷-۳۹). در این آیه، صفت کشتی‌سازی در خدمت اهداف الهی قرار گرفته است. انسان خلیفه‌الله گرایش به صنعتش برای زمینه‌سازی یک حادثه بزرگ آسمانی یعنی، طوفان نوح در راه اصلاح نسل است. این مصداق بارزی از سرمایه‌گذاری برای بهره‌وری است، البته با توجه به اینکه شغل حضرت نوح علیه السلام نجاری بود خداوند مردی متعهد و توانمند را برای این امر انتخاب کرد (موسوی، ۱۳۷۸، ص ۶۲).

براین اساس، اگر کار و حرفه با تخصص همراه نشود یا زیان بار خواهد بود یا دستاوردی بسیار ناچیز به همراه خواهد داشت. بنابراین، در آموزه‌های دینی به موضوع تخصص در کار و حرفه بسیار توجه شده است (طاهری، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

زیر کشت بردن هرچه بیشتر زمین‌های حاصلخیز و استفاده از آب و خاک از شاخص‌های توسعه اقتصادی است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که آب و زمین در اختیار داشته باشد، ولی به دلیل عدم استفاده از آنها فقیر بماند خداوند او را از رحمت خود دور ساخته است» (حرعاملی، ۱۴۰۲، ۴۱/۱۷). استفاده غیراصولی و تضييع منابع الهی نشانه عدم تخصص و ناکارآمدی از نظر علوم و فنون پیشرفته است. بی‌تعمدی و مسئولیت‌ناپذیری یکایک افراد جامعه در مقابل هدر رفتن منابع آب و خاک و ثروت‌های ملی سبب کاهش و نابودی بهره‌وری و سرمایه‌گذاری فیزیکی و علمی و استفاده از بهترین منابع مانند آنچه در سیره حضرت نوح علیه السلام بود سبب افزایش بهره‌وری و خودکفایی اقتصادی می‌شود (خلیلیان، ۱۳۹۰، ص ۲۸۲).

۳-۴. سیره اقتصادی حضرت یوسف علیه السلام

داستان زندگی حضرت یعقوب و حضرت یوسف علیه السلام درهم تنیده شده و هر دو مراحل سختی را برای رسیدن به اوج و دریافت مقام امامت طی کردند. حضرت یوسف علیه السلام فراست، ذکاوت، هوش اقتصادی، صبر و متانت را از پدر به ارث برده بود.

۱-۳-۴. ویژگی‌های مدیر اقتصادی

حضرت یوسف علیه السلام در یک بحران سخت اقتصادی خود را برای قبول مسئولیت امور مالی کشور مصر آماده کرد و در توجیه این پیشنهاد، دو دلیل بر صلاحیت خود آورد:

اول) حفیظ بودن: «قال اجعلنی علی خزائن الأرض اینی حفیظ علیم؛ یوسف گفت مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانا هستم» (یوسف: ۵۵). حفیظ یعنی، کسی که به طور مستمر حفاظت چیزی را برعهده می‌گیرد. یکی از باارزش‌ترین واژه‌ها در فرهنگ دینی مسلمانان، کلمه امانت و امین هست که سپردن هرگونه مسئولیتی منوط به همین صفت است؛ زیرا بزرگ‌ترین

خیانت‌ها توسط افرادی که در این صفت ضعف دارند به دین و دنیای مردم وارد می‌شود. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «انسان امین به تو خیانت نکرده است، بلکه تو به خائن اعتماد کردی» (اتابکی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۶). مفهوم این فرمایش این است که در سپردن پست‌ها باید توجه کافی را مبذول داشت تا کار به افراد شایسته سپرده شود تا افراد دورو که با ظاهری مقبول و پسندیده جلوه می‌کنند، نتوانند در مسند کار قرار بگیرند و فرصتی برای بلعیدن سرمایه‌های جامعه به دست آورند. به یقین، انسان‌های ناآگاه که عقل اقتصادی و معاش ندارند آسیب‌های سخت و توان فرسا بر پیکره اقتصاد وارد می‌کنند.

دوم) علیم بودن: علیم یعنی، کسی که علمی فراتر و گسترده‌تر از دیگران دارد. دلیل آن هم، پیش‌بینی‌های حضرت یوسف علیه السلام در مسائل اقتصادی و طرح‌هایی بود که ارائه داد. حضرت یوسف علیه السلام می‌دانست که ریشه نابسامانی‌های آن جامعه آینده از ستم در مسائل اقتصادی نهفته است، پس اکنون که آنها به حکم اجبار به سراغ او آمده‌اند چه بهتر که نبض اقتصاد کشور مصر را به‌ویژه در زمینه مسائل کشاورزی به دست گیرد، به یاری مستضعفان بشتابد، از تبعیض‌ها تا آنجا که قدرت دارد، کم کند، حق مظلومان را از ظالمان بستاند و به وضع بی‌سر و سامان آن کشور پهناور سامان بخشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۴۱۳/۲) جمله «انی حفیظ علیم» (یوسف: ۵۵) دلیل بر اهمیت مدیریت در کنار امانت است و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به‌تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست، بلکه آگاهی تخصص و مدیریت هم لازم است. خداوند به حضرت یوسف علیه السلام در جوانی به پاس نیکوکاریش فرمود: «ولما بلغ أشده آتیناه حکما وعلما؛ و هنگامی که یوسف به سن کمال رسید حکمت و دانش به او عطا کردیم» (یوسف: ۲۲). علم، قوت، قدرت جسمانی، دانایی و امانت‌داری خصوصیات مدیران الهی است. اگر تعهد با علم و دانایی همراه نباشد از ضرر و آلوده شدن به حرام نمی‌توان اجتناب کرد (بروجردی، ۱۳۸۶، ۲۳/۲۲۱).

سوم) داشتن تقوا؛ خصوصیت بعدی یک مدیر الهی در قرآن تقواست؛ دشمنان و دوستان حضرت یوسف علیه السلام همه اتفاق نظر داشتند که او فردی متقی است. در قرآن آمده است که زن عزیز مصر می‌گوید: «و لقد راودته عن نفسه فاستعصم؛ به راستی من از او خواستار کام‌جویی شدم، ولی او در برابر خواست من به شدت خودداری کرد» (یوسف: ۳۲). خداوند حضرت یوسف علیه السلام را مثل اعلای توحید و تقوا معرفی کرده است. بنابراین، وقتی آن حضرت را به اوج عزت و عظمت می‌رساند، می‌فرماید: «و كذلك مکننا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء نصیب برحمتنا من نشاء ولا نضیع أجر المحسنین ولأجر الآخرة خیر للذین آمنوا و كانوا یتقون؛ این‌گونه یوسف را در [آن] سرزمین مکانت و قدرت دادیم که هر جای آن بخواهد، اقامت نماید. رحمت خود را به هر کس که بخواهیم، می‌رسانیم و پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کنیم و به یقین، پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده‌اند و همواره پرهیزکاری می‌کردند، بهتر است» (یوسف: ۵۶-۵۷). انسان متقی در فعالیت‌های اقتصادی خود، تکلیف‌محور است نه سودمحور و اگر تکلیفش همانند حضرت یوسف علیه السلام بیشتر کردن سود باشد با این هدف سرمایه‌گذاری و تولید خواهد کرد و گرنه سود را رها کرده و تکلیفش را انجام می‌دهد. انسان متقی به وعده‌های الهی دلگرم است و از امدادهای غیبی برخوردار می‌شود که سود و برکت سرشاری را متوجه جامعه می‌کند (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۴۸۹).

۴-۴. سیره اقتصادی حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام بعد از پایان میثاقش با حضرت شعیب علیه السلام از منزل ایشان بیرون آمد و همراه با زن و فرزندش به راه افتاد. در میان مسیر گویا راه را گم کرده که ناگهان از دور آتشی می‌بیند که تنها او آن را می‌بیند. پس به عائله‌اش فرمود: «انی ءانست ناراً». حضرت موسی علیه السلام که متأهل و فرزنددار شده بود و سنگینی مسئولیت ولایت بر خانواده را درک می‌کرد به همراهانش خطاب کرد: «اینجا درنگ کنید که من آتشی می‌بینم». شاید می‌خواست از کنار آتش، راهنمایی بیابد تا راه را نشانش دهد. بنابراین، فرمود: «لعلی منها بقبس؛ شاید از این آتش جلوه‌ای بیاوریم». وقتی که نزدیک شد، ندا آمد: «اننی انالله؛ من خدا و رب توأم» (طه: ۱۱-۱۲). پس از آن به حضرت موسی علیه السلام امر شد تا

محبت زن و فرزند را از دل بیرون کند و در وادی عشق و محبت سرای قدسین و مخلصین وارد شود: «إني أنا ربك فأخلع نعليك إنك بالواد المقدس طوى؛ به یقین این منم پروردگار تو، پس کفش خود را از پایت بیفکن؛ زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی» (طه: ۱۲).

براساس متون دینی، تلاش انسان‌ها برای رفع نیاز خانواده مانند جهاد در راه خداست. امام صادق علیه السلام فرمود: «آن کسی که برای تأمین احتیاجات عائله‌اش کار می‌کند مانند این است که در راه خدا جهاد می‌کند» (ابن فهد حلی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از همه مؤمنان، ایمان آن کسی کامل‌تر است که اخلاقش نیکوتر است و با کسان خود بهتر رفتار می‌کند». هرچند حضرت موسی علیه السلام با همه مقام بزرگ نبوت و معرفت، خود را موظف و مسئول به تأمین رفاه خانواده می‌دانست، اما امر شده بود در تمام امور، حب دنیا و نفس را که از بزرگ‌ترین حجاب‌های رخسار محبوب است از دل بیرون کند تا سرانجام این وظیفه او را به سرمنزل مقصود برساند و به محفل انس الهی راه یابد (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ص ۵۲۹). پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همه شما مسئول یکدیگر هستید و مرد مسئول خانواده خویش می‌باشد» (ورام بن ابن فراس، ۱۳۶۹).

۴-۵. سیره اقتصادی حضرت محمد صلی الله علیه و آله

نبی اکرم صلی الله علیه و آله به کار و تلاش اقتصادی برای تأمین معاش روزمره بسیار اهمیت می‌داد. ایشان از کودکی با بطالت و تنبلی بیگانه و همواره در حال تلاش سازنده بود. انس بن مالک می‌گوید: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک برمی‌گشت سعد انصاری یکی از کارگران مدینه به استقبال آن حضرت آمد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله با او دست داد احساس کرد که دستان وی زیر و خشن است. نبی مکرم صلی الله علیه و آله سؤال کرد: چرا دستان تو این قدر خشن و زبر است. عرضه داشت: یا رسول الله! این خشونت و زبری دستان من به خاطر کار کردن با بیل و طناب است تا مخارج خانواده‌ام را تأمین کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله دستان او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش جهنم آن را لمس نخواهد کرد» (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ص ۱۶۹).

به‌گواهی امام موسی کاظم علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله با دست خود کار می‌کرد و از آن ارتزاق می‌نمود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۶۷) سیره حضرت بر تشویق به کشاورزی بود و می‌فرمود: «هرکسی درختی

بکارد و برای تربیت آن شکبیا باشد تا به ثمر برسد هر که از آن بهره‌مند شود ثواب صدقه‌ای نزد خداوند دارد» (پاینده، ۱۳۶۳، ص ۵۹۷). او از فروش باغ و نخل نهی می‌کرد و می‌فرمود: «نخل چیز خوبی است، هرکس آن را بفروشد بهای آن همچون خاکستری است بر قله کوه در معرض طوفان، مگر آنکه با بهای آن ملک دیگری بخرد» (کلینی، ۱۳۷۵، ۲۶۱/۵). سیره پیامبر صلی الله علیه و آله بر این بود که برای آحاد جامعه، شغل مناسب در نظر گرفته شود و همه با کسب درآمد حلال، هزینه زندگی خود را تأمین کنند. بنابراین، سیره حضرتش بر این بود که دیگران را به کارهای تولیدی و خدماتی تشویق کند. در روایات آمده است: «هرگاه مردی را ملاقات می‌نمود، سؤال می‌کرد: آیا شغلی داری. اگر می‌گفت بی‌کار است، می‌فرمود: این شخص از چشم من افتاد. عرض می‌کردند چرا؟ می‌فرمود: زیرا اگر مؤمن بی‌کار باشد دین خود را اسباب معیشت خود قرار می‌دهد. چون بی‌کاری مردم، مایه گستاخی و ناسپاسی و موجب شیوع کارهای زشت می‌شود» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۳۹). حضرت می‌فرماید: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ۴/۴۴۵).

فرد بیکار از فرط گستاخی، بیهودگی و ناسپاسی به کارهایی دست می‌زند که برای خود و اطرافیانش زیان‌های زیادی به بار می‌آورد. به همین دلیل، حضرت به افراد بی‌کار سرمایه می‌داد تا به شغل آبرومندی دست یابند و یا به گونه‌ای آنها را راهنمایی می‌کرد که بتوانند شغل درآمدزایی داشته باشند. کسی که توان کار کردن دارد و مخارج خود را بر دیگری تحمیل می‌کند ملعون خوانده می‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ملعون ملعون من القی کله علی الناس ملعون ملعون من ضیع من یعول؛ ملعون است ملعون است کسی که بار زندگی خود را به گردن مردم بیندازد. ملعون است ملعون است کسی که خانواده‌اش را در اثر ندادن نفقه ضایع و تباه کند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷). سیره اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله در خانواده برپایه ارزش‌های مهمی مانند کار و تلاش، کسب درآمد حلال، ساده‌زیستی، قناعت، انفاق و صدقه استوار بود. این سیره می‌تواند برای مسلمانان الگو و راهنمایی باشد تا بتوانند با اتکا به این ارزش‌ها، اقتصاد خود و خانواده‌شان را با موفقیت و برکت اداره کنند.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی سیره انبیا نشان می‌دهد که یکی از عوامل مؤثر بر معنویت برای فرد، خانواده و جامعه، اقتصاد است. اگر کسی رابطه‌اش با خدا را اصلاح کند درهای رحمت الهی بر روی او باز می‌شود و اگر کسی رابطه خود با مردم در زمینه‌های اقتصادی را به هم بزند از طرف خدا هم بر او سخت گرفته می‌شود. کاربرد تقوا فقط در مورد خدا نیست، بلکه کسی که تقوا داشته باشد او را از تعدی و ظلم به دیگران هم باز می‌دارد. این موارد و روابط میان آنها چیزی است که پیامبران آمدند تا برای مردم بیان کنند. انبیا نه تنها آمده‌اند تا این موارد را برای مردم بیان کنند، بلکه در عمل و به صورت جزئی نیز برخی مسائل را به مردم نشان دادند. سیره حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام نشان می‌دهد که ایشان به تنبلی و اتکا به دیگران اعتقاد نداشت و با تلاش و کوشش، راه خود را برای تأمین معیشت باز کرد. این سیره برای انسان‌ها درس و الگوست تا با کار و تلاش، معیشت خود را تأمین کنند و به جای درخواست کمک از دیگران به توانایی‌های خود اتکا کنند. در مورد دیگر انبیا و به‌ویژه نبی گرامی اسلام همین‌طور بوده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: فاطمه الزهرا.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹). مترجم: دشتی، محمد. قم: مشهور.
۱. ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۹). اسد الغابه. بیروت: دار الفکر.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، و کناری ساروی، حسین (۱۳۷۵). آیین بندگی و نیایش. قم: بنیاد معارف اسلامی.
۴. اتابکی، پرویز (۱۳۷۶). رهاورد خرد (ترجمه تحت‌العقول ابن شعبه حرانی). تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
۵. بروجردی، حسین (۱۳۸۶). منابع فقه شیعه. مترجم: جامع الحدیث الشیعه. تهران: انتشارات فرهنگ.
۶. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۳). نهج الفصاحه. تهران: جاویدان.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم. قم: دارالکتاب اسلامی.
۸. حراملی، محمد بن حسین (۱۴۰۲). وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشیعه. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۹. حکیمی، محمد (۱۳۷۸). عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. خلیلیان، محمد جمال (۱۳۸۰). شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام. قم: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). فرهنگ دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تمدن.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
۱۳. رجایی، سید محمدکاظم (۱۳۸۲). معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۴. شعیری، محمدبن محمد (بی تا). جامع الاخبار. نجف: مطبعه حیدریه.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۶. کلینی، محمد یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی. قم: دارالکتب اسلامیه.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). میزان الحکمه. قم: مؤسسه دارالحدیث العلمیه.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). انسان سازی در قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۹. معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی معین. تهران: مرکز خدمات فرهنگی معین.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۲). تفسیر و شواهد قرآنی. قم: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۲. میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۱). اصلاح الگوی مصرف. قم: انتشارات پژوهشگاه، فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. ورام بن ابی الفراس (۱۳۶۹). آداب و اخلاق اسلام. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی